

# مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی

دفتر اول:

وحدت وجود و وحدت شهود

دفتر دوم:

کیمیای خیال

حسن بلخاری قهی



## فهرست

۱۱	طلیعه
۱۷	پیشگفتار: تأملی در اصطلاح وحدت وجود
۲۳	فصل اول: کلیات
۲۵	الف) رویکردهای مختلف در بحث وحدت وجود
۳۲	ب) وحدت وجود انفسی، وحدت وجود آفاقی
۳۵	ج) مبانی و منشأ اعتقاد به وحدت وجود
۴۷	فصل دوم: وحدت وجود در هندوئیسم
۵۹	فصل سوم: وحدت وجود در حکمت و فلسفه غرب
۶۱	الف) وحدت وجود در فلسفه یونان
۶۱	از طالس تا افلاطون
۶۶	رواقیان
۷۰	نوافلاطونیان
۸۰	ب) وحدت وجود در مسیحیت
۸۰	آگوستینوس
۸۴	یوهانس اسکوتوس
۸۵	مایستر اکهارت
۹۱	هاینریش زوزو
۹۴	قدیسه ترزایا ترزا آویلابی
۹۶	خوان دلاکروث
۹۷	یاکوب بوهمه
۹۸	اسپینوزا

## دفتر اول

وحدت وجود  
و وحدت شهود

۳۴۱	الف) نور در آیین مذاهب
۳۴۶	ب) فانوس خیال در اندیشه‌های امام محمد غزالی
۳۶۰	ج) تجلی نور در نگارگری ایرانی - اسلامی
۳۶۳	د) تجلی رنگ در هنر اسلامی
۳۶۶	رنگ در اندیشه‌ی عرفانی نجم‌الدین کبری
	رنگ در اندیشه‌ی عرفانی نجم‌رازی ۳۶۸
۳۷۰	رنگ و نور در اندیشه‌ی عرفانی علاءالدوله سمنانی
۳۷۲	رنگ و نور در «المناظر» ابن هیثم
۳۷۵	ه) رنگ و نور در معماری اسلامی
۳۸۹	فصل نهم: قدر (هندسه مقدس در معماری قدسی)
۳۹۲	الف) قدر در قرآن
۳۹۳	ب) قدر و هندسه
۳۹۵	ج) هندسه مقدس در معنا و معماری
۳۹۸	د) منابع و بنیانهای هندسه مقدس
	فصل دهم: نقد و نظر (نقد آرای خانم نجیب اوغلو در رد نظر سنت‌گرایان)
۴۲۹	فهرست منابع و مأخذ
۴۵۵	نمایه
۴۶۷	منابع لاتین
۴۸۷	تصاویر
۴۸۹	

۱۰۵	فصل چهارم: وحدت وجود در حکمت و عرفان اسلامی
۱۰۹	الف) شیخ اشراق
۱۳۱	ب) محی‌الدین ابن عربی
۱۷۹	ج) مولانا محمد جلال‌الدین بلخی رومی
۱۹۱	د) صدرالمتألهین شیرازی
۲۰۵	فصل پنجم: وحدت شهود
۲۰۹	الف) علاءالدوله سمنانی
۲۳۴	ب) شیخ احمد سرهندي
۲۶۱	فصل ششم: تجلی
۲۷۹	نتایج نهایی تحقیق
	فصل هفتم: قوه خیال و عالم مثال، بازگشتگاه
	صور تجریدی هنر اسلامی
۲۸۷	الف) بنیان‌شناسی عالم خیال در قرآن
۲۸۹	ب) قوه خیال و عالم مثال در فلسفه اسلامی
۲۹۳	ج) خیال در حکمت امام محمد غزالی
۳۰۲	د) خیال در ذهن و زبان شیخ اشراق
۳۰۶	ه) خیال در حکمت ابن عربی
۳۲۰	و) خیال و زیبایی در اندیشه و آرای صدرای شیرازی
۳۲۰	فصل هشتم: نور (تجلی رنگ و نور در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی)
۳۳۷	

پیشگفتار:

## تأملی در اصطلاح وحدت وجود

لفاظ، ابواب معانی اند، بنابراین گام اول در شناسایی و تبیین معانی، شرح و تفسیر الفاظ آن معانی است. به تحقیق ثابت گردیده که گاه شرح و تفسیر یک لفظ، ادراک ماهیت یک معنا و گاه بی توجهی به آن، بزرگترین آفت تحقیق و تتبع در ادراک حقیقی آن معناست. از این رو، در ابتدا شرح اصطلاح وحدت وجود هم از نظر لغت و هم از نظر معنا ضرورت دارد، زیرا اولاً از یک سو میان واژه‌ی وحدت وجود، که اصطلاحی عربی است، با اصطلاحاتی چون: pantheism، unity of being، unity of existence، pantheism تفاوت‌هایی وجود دارد. ثانیاً، مفهوم وحدت وجود گاهی بیانگر وحدت شهود است و گاهی نیز از وحدت وجود، وحدت موجود اراده شده است. بنابراین شاید مهمترین و اولین گام در بحث وحدت وجود، تبیین این اصطلاح و مدلول آن باشد. برخی لغویان «وحدة الوجود» را از **هر** مفهومی مترادف pantheism گرفته‌اند و برخی متون لاتین نیز از اصطلاح پانتئیزم **مفهومی** را برداشت و اراده می‌کنند که در عرفان اسلامی به وحدت وجود مشهور است **همچون دایرة المعارف بریتانیکا** که پانتئیزم را «خدا کل است و کل خداست... خدا جهان است و جهان خداست»<sup>۱</sup> تعریف می‌کند. اما واقعیت این است که پانتئیزم، اصطلاحی دقیق **برای** وحدت وجود مطرح در عرفان و فلسفه اسلامی نیست، زیرا این واژه اصالتاً یونانی، **ترکیبی** از pan به معنای «همه» و theo به معنای «خدا» است که ترجمه‌ی دقیق تحت‌اللفظی

و نیز مغایرت با مبانی توحیدی دین اسلام از دیگر سواست. سخن دوم در مورد اصطلاح عربی وحدة الوجود است؛ در این باره نیز نکته‌ای وجود دارد و آن، متفاوت بودن مفهوم هستی در ترجمه‌ی فارسی وجود با معنای وجود در زبان عربی و به ویژه در اصطلاحات عرفانی است. در زبان عربی وجود دقیقاً به معنای «هستی» نیست، بلکه به معنای «یافتن» یا «یافته شدن» است و این یافت شدن رخ نمی‌دهد مگر به واسطه‌ی شهود. در این رابطه شرح ابوالقاسم قشیری در رساله قشیری بسیار جالب توجه است. وی در «شرح الفاظ» این رساله تواجد، وجد و وجود را با هم می‌آورد. تواجد یعنی «به وجد آمدن همراه با تکلف و نوعی اختیار»، وجد یعنی «یافتن و به دل در آمدن بی تکلف» و وجود یعنی «در گذشتن از مرحله‌ی وجد و رسیدن به حقیقت یافتن»: «وجود نبود مگر پس از آنکه از بشریت مرده گردد، زیرا بشریت را نزدیک سلطان حقیقت بقا نباشد... جنید گوید علم توحید از یافتن او جداست» و اندرین معنی گفته‌اند:

وجودی ان اغیب عن الوجود

بما یبدو علی من الشهود<sup>۱</sup>

این یافتن در میان عرفا، به نحوی همان شهود است به ویژه که در یکی از مهمترین متون وحدت وجودی دنیای اسلام، یعنی فصوص الحکم ابن عربی، وجود به همین معنا به کار رفته است. ابن عربی در فص دوم (فص شیشه) اصطلاحی چنین دارد: «اهل الله و صاحب کشف و وجود»؛ تاج الدین حسین خوارزمی، از عرفای قرن هشتم هجری، در شرح خود بر فصوص ذیل این اصطلاح می‌گوید: «... وجود یعنی وجدان، چه این طایفه‌اند که به چشم می‌بینند و به طریق کشف می‌کنند و وجدان می‌دانند که چون حقیقت یکی است که حقیقة الحقائق است متجلی و قابل به حسب هویت یکی است.»<sup>۲</sup> بدین ترتیب، مفهوم وجود، از ریشه‌ی وجد و به معنای یافتن است نه هستی و این مفهوم حقیقی رسیدن به وحدت شهود است، کما اینکه در کلام فوق‌الذکر جنید متجلی است. این نکته مهمی است که ماریان موله نیز در کتاب عرفای مسلمان بدان اشاره کرده و آن ماری شیمیل نیز در *ابعاد عرفانی اسلام* با تأمل بر آرای موله به آن توجه و تأکید کرده است: «معمولاً و بلکه غالباً از واژه‌ی وجود عربی، هستی فارسی و با being انگلیسی استنباط می‌شود؛ اما واقعیت این است که در زبان عربی فعلی برای تعبیر بودن (to be یا هستی) وجود ندارد. اصطلاح عربی وجود که غالباً به صورت «هستی» و

آن می‌شود «همه‌خدایی» و یا «هر چیز خداست». وحدت وجود در عرفان اسلامی هیچ‌گاه به معنای همه‌خدایی نیست، زیرا به حلول و اتحاد می‌انجامد (و این شرک است). همه متفکران و معتقدان به وحدت وجود نیز - چون ابن عربی و مولانا - عمد دارند که خود را از اتهام حلولی و اتحادی برهانند. در عرفان اسلامی هدف غایی وحدت وجود، اصالت بخشیدن به وجود و تأکید بر این معناست که تمامی موجودات در هستی واحدند، اما بر فراز آنان یک احد مطلق قادر وجود دارد که موجودات در داشتن وجود، بنا به مراتبی با آن حق واحد مطلق مشترک‌اند، اما مانند او نیستند. حتی یکی از انتقادات اساسی بر بزرگترین متفکر وحدت وجودی اسلامی (ابن عربی) این است که چنین جمله‌ای به زبان آورده است: «سبحان من اظهر الاشياء وهو عینها»<sup>۱</sup>.

اصطلاح دیگر وحدت وجود در زبان لاتین pantheism است. این اصطلاح مرکب از pan (همه)، en (در) و the (خدا) است؛ یعنی خدا در همه جریان دارد. تفاوت پانتئیزم با پانتئیزم در این است که معنای دوم دافع ناسازگاری اصل پانتئیزم با اصل توحید است؛ بدین معنی که پانتئیزم (همه‌خدایی) گرایش به شرکی را موجب می‌شود که در تناقض مطلق با توحید قرار دارد؛ بنابراین، به تعبیر کسانی چون چارلز هار تسهام پانتئیزم ترکیبی از پانتئیزم و تثیسیم است و این گونه نیز تعریف می‌شود: «پانتئیزم عبارت است از اعتقاد به اینکه وجود خدا شامل همه موجودات است و در همه‌ی جهان جریان دارد، آن چنان که هر جزئی از جهان در او وجود دارد و، بر خلاف پانتئیزم، معتقد است که وجود خدا بیشتر از جهان است و جهان کاملاً او را در بر نمی‌گیرد»<sup>۲</sup>. در این نظریه، خدا کاملاً جدا و مستقل از عالم است، اما وجهی از حیات او در عالم جریان دارد. جهان در این اعتقاد تجلی خداست نه مانند خدا. «موجودات محدود عبارت از حالت و جلوه‌ای از وجود خدا هستند... خدا بیشتر از کل جهان است»<sup>۳</sup>. متفکرانی چون نیکلسون، اعتقادات کسانی چون ابن عربی را - که محور مباحث وحدت وجودی دنیای اسلام است - پانتئیزم می‌دانند نه پانتئیزم، و کسانی چون آن ماری شیمیل نیز پانتئیزم - به معنای همه‌خدایی - را در افکار ابن عربی رد می‌کنند.<sup>۴</sup>

پس سخن اول اینکه اصطلاح مشهور وحدت وجود در جهان اسلام دقیقاً معادل اصطلاح لاتینی pantheism نیست، زیرا لازمه‌ی آن اعتقاد به حلول و اتحاد از یک سو،

۱. این جمله در بخش «ابن عربی» این نوشتار بحث و بررسی خواهد شد.

۲. قاسم کاکایی، وحدت وجود به روایت ابن عربی و ما یستر اکهارت، نشر هرمس، تهران ۱۳۸۱، ص ۸۱.

۳. همان.

۴. آن ماری شیمیل، *ابعاد عرفانی اسلام*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۷، ص ۴۳۹.

۱. ابوالقاسم قشیری، ترجمه رساله قشیری، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۲. تاج الدین حسین خوارزمی، شرح فصوص الحکم، تحقیق آیت‌الله حسن زاده آملی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۷۷، ص ۱۸۵.